

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال پانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۳ / بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۲-۳۶ (مقاله پژوهشی)

آسیب شناسی تقریب در خارج از جهان اسلام



مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال پانزدهم
شماره ۵۳ - بهار و تابستان ۱۳۹۹

• نجف یزدانی
استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)
najaf_yazdani@yahoo.com

• سجاد خارا
کارشناس ارشد شیعه شناسی گرایش کلام دانشگاه میبد
sajadkhara.1370@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۰

چکیده

مسئله اصلی این تحقیق بررسی علل و زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های ضدتقریب در خارج از جهان اسلام به عنوان آسیب‌های کنونی تقریب است. ایجاد و حمایت از گروه‌های افراطی، دامن زدن به اختلافات مذهبی به‌خصوص با اهداف استراتژیکی و جنگ روانی در سایه ایجاد موج شیعه‌هراسی، از محورهای کلی در خارج از جهان اسلام هستند که به طور مستقیم بر واگرایی ملت‌های اسلامی تأثیر گذاشته‌اند. همچنین تأسیس و حمایت از شبکه‌ها و رسانه‌های ماهواره‌ای و حمایت از جریان تشیع انگلیسی را می‌توان در زمره علل و زمینه‌های خارجی ضدتقریب به شمار آورد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موارد پرداخته است؛ زیرا ریشه‌یابی و تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های ضدتقریب از جهات گوناگون، راهبردی بوده و زمینه را برای از بین بردن موانع ضدتقریبی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تقریب، استعمار، جریان‌های ضدتقریب، آسیب‌ها.

مقدمه

عقلانیت سیاسی در گرو وحدت، ایستادگی و رشادت در مقابل نظام سلطه است. کشورهای غرب برای به انزوا کشاندن این حرکت، اختلاف افکنی و تفرقه میان کشورهای اسلامی و مذاهب اسلامی را در دستور کار خود قرار دادند.^۲

۲- ترس از اقتدار جهان اسلام در ابعاد دینی و حکومتی: دین اسلام به عنوان دین تمام و کمال، همه ابعاد حیاتی بشر را شامل می‌شود. همان قدر که به زندگی فردی و عبادی افراد نظر دارد، به همان اندازه به زندگی اجتماعی و دنیوی همچون حکومت‌داری و سیاست اهمیت می‌دهد و آن را متمم و مکمل برپایی حکومت الهی می‌داند.^۳

۳- حساسیت جغرافیایی کشورهای اسلامی: موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی به گونه‌ای است که امروزه شاهراه ارتباطی تجارت بین‌المللی به شمار می‌رود. از آنجا که از طریق مهم‌ترین بنادر دریایی و کانالها و تنگه‌های آبی همچون سوئز، تنگه هرمز و باب‌المندب مهم‌ترین مواد اولیه مورد نیاز جهان صادر می‌شود، وحدت جهان اسلام می‌تواند کشورهای غربی را تحت فشار قرار دهد، تا این سرمایه به سهولت و با هزینه کم از دست نرود. غرب نیز برای تسلط و دستیابی ارزان و راحت به این سرمایه‌ها، بهترین نقشه را ایجاد رقابت منفی میان کشورهای اسلامی و نزاع میان شیعه و اهل سنت می‌داند که تا اندازه‌ای نیز در این کار موفق بوده است.^۴

در عصر حاضر نیز موج بیداری اسلامی و شعار وحدت، پایه‌های قدرت و تسلط غرب را بر کشورهای جهان سوم متزلزل کرده است. از این رو، استعمار برای کنترل آن بیش از پیش بر سرمایه‌گذاری در این حیطه افزوده و تلاش خود را چند برابر کرده است.^۵ نکته قابل توجه آنکه در این بحث باید دو مسئله را از

جهان اسلام علاوه بر مشکلات و چالشهای داخلی از سوی برخی احزاب و منافقان داخلی، با نقشه‌های تفرقه‌افکن از بیرون دنیای اسلام نیز روبه‌رو است؛ نقشه‌های شوم و فتنه‌انگیزی که از سوی دشمنان و کینه‌توزان بیرونی هدایت می‌شوند و حربه‌ای برای اعمال نفوذ قدرت و به یغما بردن میراث مسلمانان هستند. در حقیقت اختلافات مذهبی و شکل‌گیری فرقه‌ها و تنش و نزاع آنها در میان امت اسلام و همچنین ضعف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای اسلامی، این فرصت را برای کشورهای استعمارگر فراهم کرده تا برای دستیابی به منافع خود و تسلط قدرت بر کشورهای اسلامی نهایت استفاده را ببرند. اگرچه این دشمنی سابقه‌ای دیرینه دارد و آن را می‌توان به جنگهای صلیبی رساند و بیشترین ضربه‌ها به صورت مداخله نظامی و مستقیم در جوامع اسلامی بوده، اما امروزه با پیشرفت تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی نقشه‌های مختلف و مخرب‌تر از مداخله نظامی جوامع اسلامی را به چالش و انحطاط کشانده است. انگیزه‌ها و اهداف متعددی مانند نیاز به منابع و ذخایر انرژی، دستیابی به ثروت نیروی انسانی، پیدا کردن بازار مصرفی برای درآمدزایی، در دست داشتن تجارت جهانی و ... را می‌توان برای کشورهای غربی در جهت ایجاد اختلاف میان امت و مذاهب اسلامی بیان کرد، اما به نظر می‌رسد موارد کلی‌تری که زمینه‌ها را برای تحقق چنین اهدافی فراهم می‌کند، عبارتند از:^۱

۱- ترس از انقلابهایی مانند انقلاب اسلامی ایران: انقلاب اسلامی ایران زنگ خطر را برای قدرتهای غربی به صدا درآورد و جرقه بیداری جهان اسلام را در میان جوامع اسلامی روشن کرد. نه تنها جوامع اسلامی، بلکه به کشورهای تحت ظلم و ستم استعمار، این نوید را داد که استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و

۲. رک: «بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی»، صص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۳. رک: همان، ص ۲۵۵.

۴. همان، ص ۲۵۶.

۵. فرهنگ تقریب، ج ۲، ص ۶۷.

۱. رک: «نقش نفت در حمله آمریکا به عراق»، صص ۱۲۰-۱۲۴؛

«تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری

خلیج فارس»، ص ۲۱.





یکدیگر تفکیک کنیم. یک مسئله نقشه‌ها و طرح‌های

برهم زننده وحدت که ناظر به جنبه‌های ملی است؛ یعنی این نقشه‌ها در حالت کلی وحدت جوامع یا وحدت ملی یک کشور - نه وحدت مذاهب اسلامی - را نشانه گرفته است، به عنوان نمونه برانگیختن احساسات ملی و تعصبات نژادی بیش از آنکه ناظر به جنبه مذهبی و دینی باشد، بحث ملیت و قومیت و یا زبان را پیش می‌کشد و با اینکه دو جامعه از یک مذهب برخوردارند، اما رغبتی برای وحدت بین آنها وجود ندارد. این موارد هرچند به صورت غیرمستقیم می‌توانند برهم زننده وحدت دینی نیز باشند، اما این مسئله مورد بحث اصلی این تحقیق نیست،^۶ بلکه در این مجال زمینه‌هایی را دنبال می‌کنیم که به صورت مستقیم تقریب مذاهب را نشانه گرفته است. بر این اساس این پژوهش به بررسی فعالیت‌های ضدتقریبی جهان سلطه در زمینه‌های مختلف می‌پردازد، تا با شناخت آنها بتوان آگاهانه‌تر در راستای دفع آنها و تحقق بهتر تقریب در جهان اسلام گام برداشت.

در حوزه آسیب‌شناسی تقریب کارهای مختلفی صورت گرفته است، اما دو مطلب در این میان قابل توجه است: یکی آنکه این موارد در نسبت با توطئه دشمنان مورد تحلیل قرار نگرفته و بیشتر به عنوان آسیب‌های داخلی از آنها بحث شده است. نکته دیگر اینکه برخی از مسائل مانند اتهام شیعه به تحریف قرآن مورد تحقیق قرار گرفته‌اند، اما این موارد نیز در ارتباط با تقریب و نقش آنها در اوج‌گیری تفرقه و جریان ضدتقریب مورد توجه واقع نشده‌اند. از این رو، در ادامه به بررسی نقشه‌ها و حربه‌هایی می‌پردازیم که در قالب جنگ نرم، تقریب و وحدت مذاهب را نشانه

گرفته است.

ایجاد و حمایت از گروه‌های افراطی

استعمار با شناخت وضعیت مسلمانان و جهان اسلام در هر زمانی و هماهنگ با شرایط جوامع اسلامی، توطئه و حربه‌ای را برای ایجاد تفرقه و اختلاف میان امت اسلام در دستور کار قرار می‌دهد. یکی از این نقشه‌های طراحی شده، سعی در ایجاد و تأسیس احزاب و فرقه‌هایی است که وجود آنها بهترین نقشه برای پیشبرد اهداف شوم و ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی و از بین بردن وحدت مسلمانان است. سیاستی که بیشترین ضربه را به مسلمانان و وحدت جهان اسلام وارد کرده است. گرچه شکل‌گیری این مذاهب را نمی‌توان به صورت مستقیم و کامل به غرب و کشورهای استعمارگر ربط داد، اما حمایت آنان از این فرقه‌ها جهت ایجاد اختلاف و تشدید چالش‌ها از اولیتهای مهم غرب در راه دستیابی به اهداف خود است. از این رو، حضور مذاهب و مکاتب گوناگون با پیشینه فکری و تاریخی متفاوت در جهان اسلام و شکل‌گیری فرقه‌های جدید متناسب به مذاهب اسلامی، زمینه را برای استفاده کشورهای سلطه طلب و استعمارگر غرب فراهم کرد، تا از جنبه‌های مختلف این موضوع، ابزاری برای دستیابی به منافع خود درست کنند.

نکته مهم اینکه تفاوت در افکار و عقاید، یکی از نیازهای بشر و پدیده‌ای طبیعی است که در ذات بشر نهادینه شده است و به خودی خود منجر به بروز اختلاف میان انسانها نمی‌شود. شاهد بر آن را می‌توان در فرقه‌های مختلف کلامی در درون مذاهب اسلامی ملاحظه کرد که با وجود تفاوت‌های فکری و اندیشه‌ای، در کنار یکدیگر به زندگی مسالمت‌آمیز ادامه می‌دهند. اما جهت دادن غیردینی به این فرقه‌ها و افکار، از سوی برخی از عوامل، موجب ایجاد اختلاف میان مذاهب و همچنین رسمی شدن این مکاتب به عنوان

۶. جهت مطالعه بیشتر درباره نقشه‌هایی که وحدت جوامع اسلامی را هدف گرفته است ر.ک: استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ج ۲، ص ۳۶۲؛ استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، ص ۳۰۵. همچنین جهت اطلاع از پیامد جهانی‌سازی و اشتراک جهانی در همه زمینه‌ها ر.ک: همان، ص ۳۰۶؛ انسجام اسلامی، آسیبها و راهکارها، ص ۴۸.



ابزاری برای ایجاد تفرقه و نفاق نگاه می‌کردند؛ زیرا از یک سو، اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب وجهه‌ای طغیانگر و تهاجمی علیه مذاهب اسلامی داشت و این نوید را به آنها می‌داد که از طریق محمد بن عبدالوهاب، نقشه‌های شوم خود را اجرایی کنند. از سوی دیگر، به این نکته پی بردند که آل سعود در عربستان می‌تواند پایه‌های امپراطوری عثمانی را سست کند. به این دلیل، به حمایت از آل سعود پرداختند. آل سعود نیز به پشتوانه همین حمایت به بهانه مذهبی، به ریاض هجوم برد و با پیروزی بر آنها خود را امیر نجد و وهابیان نامید. این حمایتها از سوی غرب همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۵ق، آل سعود بر عربستان مسلط و از سوی کشورهای اروپایی به‌خصوص انگلیس، به رسمیت شناخته شد.^۸

چون عربستان سرزمینی بود که دین اسلام در آن ظهور کرد و به عنوان مرکز جهان اسلام شناخته می‌شود، استعمار کانون فتنه را در عربستان بنا کرد. همچنین با وجود مسجد الحرام و مسجد النبی، سالانه میلیونها مسلمان برای بجا آوردن حج، در آنجا جمع می‌شوند و این می‌تواند نقطه عطفی در وحدت اسلامی باشد. اما دسیسه‌های استعمار با حمایت از حاکمان سعودی و نشر و ترویج افکار وهابیت موجب شد نقطه مشترک وحدت اسلامی از سوی غرب هدف گرفته شود و از این طریق با بهانه‌های مذهبی و سیاسی در پی تضعیف وحدت جهان اسلام برآمد؛ زیرا فضای حج و ارتباط مسلمانان از مذاهب مختلف، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، کشورهای غربی دریافتند که سرمایه‌گذاری در این فضا تأثیر چشمگیری در برانگیختن تنش و موضع‌گیری مسلمانان علیه یکدیگر دارد.^۹

از دیگر روشهای حمایت استعمار از وهابیان، تأسیس گروههای تکفیری افراطی همچون القاعده و داعش

یک ایده و فکر در سطح جهان می‌شود. از جمله عمال و حمایت‌کنندگان این فرقه‌ها، کشورهای استعمارگر هستند که برای رسیدن به منافع خود، به حمایت از عقیده‌های انحرافی و فکری درون اسلام می‌پردازند. فرقه‌ها و گروههایی که با تلقی خشک و سطحی‌نگر از اسلام، سبب انحراف عقیدتی و فکری مسلمانان شدند. فرقه‌های ساختگی که به بهانه دینی، بر هر اندیشه و مذهبی که همسو با عقاید آنان نبودند، برچسب کفر و تکفیر می‌نهادند.

از جمله فرقه‌های انحرافی و افراطی که تأثیر بسیار زیادی در ایجاد تفرقه میان پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر داشت، فرقه وهابیت است. این فرقه به خودی خود در میان مذاهب اسلامی ریشه بسیاری از مشکلات جهان اسلام بوده و هست. اما این اندیشه فقط با حمایت سیاسی آل سعود و استعمار غرب توانست خود را به عنوان فرقه‌ای رسمی در جهان اسلام معرفی کند؛ زیرا این اندیشه به طور کلی از سوی محمد بن عبدالوهاب نبوده که وی را پایه‌گذار اصلی این اندیشه بنامیم، بلکه در چند قرن قبل از محمد بن عبدالوهاب، این اندیشه‌های جنجالی و چالش برانگیز از سوی ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم مطرح شدند، اما به دلیل رد و طرد این اندیشه‌ها از سوی علمای مذاهب و همچنین به خاطر شرایط سیاسی و اجتماعی و عدم حمایت از سوی صاحبان قدرت، این اندیشه‌ها بعد از مرگ ابن تیمیه رو به فراموشی نهاد. اما چند قرن بعد، محمد بن عبدالوهاب این اندیشه را از نو شعله‌ور ساخت و با تلاقی قدرت سیاسی و عقاید مذهبی، به جان امت اسلام افتاد، به‌خصوص که علاوه بر حمایت قدرت سیاسی در جهان اسلام، غرب نیز یکی از ستونها و اساس رسمی شدن فرقه وهابیت در جهان اسلام شد.^۷

کشورهای استعمارگر غرب به وهابیت به عنوان

۸. رک: بنیاد تفکر سلفی، صص ۷۳-۷۶، ۳۶۲.

۹. «آسیب‌شناسی انسجام اسلامی در جهان اسلام»، ص ۱۶۰.

۷. «وهابیت و سیاست استعمار»، ص ۷. برای اطلاعات بیشتر درباره

شکل‌گیری وهابیت رک: آیین وهابیت، صص ۲۰-۲۴.



است. تأسیس و حمایت از القاعده در افغانستان به بهانه جنگ با کمونیستهای شوروی، استعمار به خصوص کشور آمریکا را به اهداف تفرقه افکن خود بدون نیاز به حضور خود نزدیک می‌ساخت. گروهک سلفی تکفیری القاعده به طوری سازماندهی شده بود که حتی پس از شکست کمونیست و تجزیه شوروی، به عنوان ابزاری برای مقابله با قیامهایی که منافع آمریکا را به خطر می‌انداخت، مورد استفاده قرار گیرد. رد پای این شبکه تروریستی را در سرکوب شورشهایی که به عنوان بیداری اسلامی و به طور خاص بهار عربی علیه حاکمان دست نشانده استعمار قیام کردند، می‌توان دید. سرکوبهایی که به بهانه مذهبی به نام وهابیت و در وجهه قدرت و سیاست به کام استعمار و دست نشاندهگان آن در منطقه بود.^{۱۰}

شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش نیز نتیجه چنین تفکری بود. در حقیقت خروج نظامیان آمریکایی از عراق، به طور طبیعی بازگشت قدرت به شیعیان را رقم می‌زد. از این رو، استعمار نو برای حفظ منافع خود در منطقه، به ابزاری نیاز داشت تا همچنان میان گروههای قدرت طلب عراق (سنی، کرد و شیعه) اختلاف ایجاد کند. به همین جهت برای ادامه تنش، نزاع و تقسیمات جدید در خاورمیانه، گروهک تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) را تأسیس و از آن حمایت کرد. اصولاً این گروه که به بهانه‌های مذهبی از سوی وهابیان حمایت می‌شد، در راستای ترس و تهدید از شکل گرفتن هلال شیعی از سوی استعمار و هم‌پیمانان او در منطقه بود. به همین علت پس از مدت کوتاهی به هدف این گروه - که برای احیای رژیم بعث عراق بود - با حمایت آمریکا و کشورهای اروپایی و متحدان آنها در منطقه از جمله عربستان و ترکیه،

تسلط بر سوریه نیز افزوده شد.^{۱۱} حمایت استعمار از وهابیت و حکام دست نشانده در بعد نظامی پایان نمی‌پذیرد، بلکه با آزاد گذاشتن وهابیت در فضای رسانه به ترویج و انتشار عقاید آنان کمک کردند. امروزه هزاران سایت اینترنتی و شبکه ماهواره‌ای در ارتباط با اندیشه‌های وهابیت، به شدت به ترویج آرا و عقاید محمد بن عبدالوهاب می‌پردازند، در حالی که پایگاهها و مالکیت پخش این سایتها و برنامه‌ها در دست استعمار است.^{۱۲} برای یک مسلمان باید جای سؤال باشد، استعماری که اسلام و مسلمانان را آنتی تر جهان غرب معرفی می‌کند، چگونه به راحتی اجازه استفاده از فناوری اینترنتی و ماهواره‌ای را به نشر اسلام اختصاص می‌دهد؟ اما با بررسی محتوای برنامه‌ها به این نکته پی می‌بریم که همه آنها به جهت برهم زدن وحدت میان پیروان مذاهب و جوامع اسلامی شکل گرفته‌اند. فتنه‌اندازی به این طریق از سوی غرب، مؤثرترین عامل اختلاف میان جوامع اسلامی بوده و هست. کشورهای استعمارگر غرب با تأسیس و حمایت از این فرقه‌ها، به دو هدف اصلی خود می‌رسند: در درجه اول با مشغول کردن پیروان مذاهب با یکدیگر، شعار و طرح وحدت و انسجام امت اسلامی را در هاله‌ای از تاریکی قرار می‌دهند که از این طریق مانع شکل گرفتن قدرتی واحد به نام اسلام در برابر خود می‌شوند و همیشه بر جوامع اسلامی و مسلمانان سلطه دارند. هدف دیگر اینکه مشغول کردن مذاهب به یکدیگر، موجب درگیری فیزیکی و قتل مسلمانان توسط همدیگر می‌شود. این موضوع باعث رعب و وحشت جهانیان از اسلام و آموزه‌های آن می‌گردد و چهره‌ای خشن و افراطی از اسلام را نزد

۱۱. ر.ک: همان، صص ۱۳۸-۱۴۱؛ «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش»، صص ۵۶۲-۵۶۶؛ «بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش»، ص ۲۵۴.

۱۲. جهت آشنایی با سایتها و شبکه‌های ماهواره‌ای ضد تقریب ر.ک: شیعه شناسی معاصر/اهل سنت، ج ۲، صص ۳۳-۴۰.

۱۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک: «نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریانهای افراطی در جهان اسلام»، صص ۱۳۱-۱۳۶؛ «القاعده و آمریکا، تهدید یا بهانه برای جنگ»، ص ۲۲۳.

دیگر جوامع جهانی به نمایش می‌گذارد.^{۱۳}

دامن زدن به اختلافات مذهبی

پیش کشیدن موضوعات حساسیت برانگیز، یکی دیگر از حرب‌های غرب برای ایجاد فتنه و اختلاف، میان مذاهب و جوامع اسلامی است. کشورهای غربی به این نکته پی بردند که برجسته کردن اختلافات درونی اسلام، موجب حساسیت و تعصب برخی افراد نسبت به آنها می‌شود و به موجب آن، تنش و نزاع میان مذاهب اسلامی تشدید شده و به بروز جنگ می‌انجامد. اساساً فضای سیاسی و اجتماعی میان جوامع به قدری حساس و خطیر است که هر اظهار نظری می‌تواند تأثیر چشمگیری بر افکار عمومی جوامع بگذارد. در این عرصه ابراز گفته‌های حساسیت برانگیز به تشدید آشفتگی و تنش میان مذاهب اسلامی می‌افزاید. سیاست تفرقه‌اندازی و حکومت کردن بر جوامع، از شعارهایی است که از دیرباز در سیاست استعماری غرب برای استیلای قدرت خود بر جوامع زیردست به کار گرفته شده است که جوامع اسلامی نیز از این حرب‌ه در امان نماندند و نیستند. از این رو، آنان با دامن زدن به برخی اختلافات که از حساسیت نسبتاً بالایی در میان مذاهب برخوردار است - با توجه به ریشه تاریخی این اختلافات - سبب تحریک احساسات مذهبی پیروان مذاهب می‌شوند.^{۱۴} در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین موضوعاتی اشاره می‌شود که نتیجه آن ایجاد شکاف بیشتر در وحدت اسلامی است و با انگیزه‌های مختلف در جهان غرب مطرح می‌گردد:

۱) نسبت تحریف قرآن و غلو به شیعه

تحریف قرآن از موضوعاتی است که در تاریخ اسلام به یکی از چالش‌های اساسی میان مذاهب تبدیل شده بود. مستشرقان غربی همچون «مایر بار آشر»^{۱۵} در

تحقیقات خود این‌گونه اذعان می‌کند که شیعه معتقد به تحریف قرآن است. او در مقاله‌ای تحت عنوان «قرائت‌های مختلف و افزوده‌های شیعه دوازده امامی»، آیاتی از قرآن را مطرح می‌کند که شیعیان تغییراتی را در آن ایجاد کردند. او با استناد به یک کتاب تفسیری که آن را منسوب به امام حسن عسکری (ع) می‌داند، قائل به اضافه شدن کلماتی است که شیعه برای اثبات حقانیت خود به قرآن افزوده است. بار آشر معتقد است که تا قبل از قرن دهم، بیشتر محققان شیعه قائل به نقص و تحریف قرآن بودند و به سبب ناراضی‌تی از چنین وضعی، کلمات و عباراتی را اضافه و یا تغییر می‌دادند تا به آنچه که مد نظرشان هست، دست یابند. او بر این باور است که شیعیان برخلاف دیگر پیروان مذاهب اسلامی، به قرآن جمع‌آوری شده و تأیید شده از سوی خلیفه سوم اطمینان ندارند و آن را معتبر نمی‌دانند و بر این عقیده‌اند که در جمع‌آوری و نگارش قرآن در دوره عثمان، برخی از گردآورندگان قرآن با اهداف و اغراض سیاسی و به میل خود، آن را نگارش کردند. اهداف و اغراضی که عامدانه و آگاهانه موجب شد آیات و عباراتی که حقانیت علی (ع) و فرزندان ایشان را تأکید می‌کردند، حذف شوند. بار آشر معتقد است که شیعیان در تلاش هستند تا استناد حقانیت خود را به قرآن معطوف کنند و خود را برتر از دیگر مسلمانان بنامند، به همین خاطر به اهل سنت اتهام دست بردن در قرآن و تغییر کلمات را نسبت دادند.^{۱۶}

همچنین در یکی از آثار خود با عنوان «کتاب مقدس و تفسیر در شیعه امامی اولیه»، عقیده الوهیت ائمه را از اصول شیعیان معرفی می‌کند و اذعان می‌کند که شیعیان برای امامان خود هیبت و هویتی فرانسائی قائل هستند که آنها را تا مرتبه خدایی بالا می‌برند. بیشترین استناد و ارجاع وی نیز به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است و بر پایه آن می‌نویسد که شیعیان

۱۳. فرهنگ تفریب، ج ۲، ص ۶۸.

۱۴. تشیع و تسنن، ص ۱۰۸.

۱۵. شیعه شناس غربی و استاد دانشگاه اورشلیم.

۱۶. شیعه شناسان غربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.





برای امامان خود نقشی فراتر و مرتبه‌ای بالاتر از پیامبر(ص) در نظر می‌گیرند. همچنین مخالفان ائمه(ع) را با الفاظ و نسبت‌های ناروا یاد می‌کنند و آنها را فاقد مرتبه و درجه‌ای نزد پیامبر(ص) معرفی می‌کنند.^{۱۷} «اتان کلبگ»، یکی دیگر از مستشرقان غربی نیز در مورد شیعیان این موضوع را تأیید می‌کند و اذعان می‌کند که شیعیان برای امامان خود خصوصیات فوق انسانی قائل می‌شوند.^{۱۸} هرچند نمی‌توان تحقیقات صورت گرفته را کاملاً با انگیزه‌های غیرعلمی دانست، اما نتیجه حاصل از این نوع فعالیتها، به خصوص در دانشگاه‌های مورد حمایت اسرائیل، در راستای اندیشه ضدتقریب و دامن زدن به اختلافات تلقی می‌شود.

۲) خاستگاه تشیع

ریشه و پیدایش تشیع از دیگر موضوعاتی است که مورد توجه مستشرقان غربی قرار گرفته و نظرات آنها بر ترویج دیدگاه‌های ناصواب در این خصوص اثرگذار بوده است. از جمله مستشرقانی که در این مورد تحقیق کردند، جونا وینترز، ویلفرد مادلونگ و مونتگمری وات هستند. این موضوع به خودی خود نزد برخی از مذاهب اسلامی سبب اختلاف شده و مذهب شیعه را تافته جدا بافته از اسلام معرفی می‌کند. مستشرقان غربی همچون مونتگمری وات نیز همین موضوع را مطرح می‌کنند که مکتب شیعه یک جنبش سیاسی بود که برای به دست آوردن قدرت به پا خاستند و مکتب شیعه را تلفیقی از عقاید خوارج، مسیحیان و ایرانیانی می‌دانند که در مقابل حاکمانی که به آنها ظلم می‌کردند، واکنش نشان می‌دادند.^{۱۹} نقش عبدالله بن سبأ نیز در ایجاد تشیع از ادعاهایی است که بیشتر از سوی مستشرقان ترویج شده است.^{۲۰}

۱۷. رک: همان، صص ۱۷۲-۱۷۴.

۱۸. رک: همان، صص ۱۸۱-۱۸۴.

۱۹. رک: همان، صص ۲۳۹-۲۴۲.

۲۰. نک: خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، صص ۱۴۵.

حتی شیعه پژوهان منصفی مانند ویلفرد مادلونگ نیز در برخی دیدگاه‌های خود مانند اختلاف امام علی(ع) و امام حسن(ع)، مطالبی را بیان کرده‌اند که سبب ایجاد شبهاتی گردیده است.^{۲۱}

این موارد توسط مستشرقان غربی را در یک نظر می‌توان به تحقیق و پژوهش‌های علمی آنان مرتبط دانست که گاهی به اشتباه یا از روی ناآگاهی، از عقاید و نظرات دیگر مذاهب، به چنین عقیده و نتیجه‌ای رسیده‌اند. اما از سوی دیگر، تحقیقها و پژوهش‌های مستشرقان غربی را نمی‌توان در حیطه علمی خلاصه کرد؛ زیرا هم به ترویج و نهادینه شدن این ادعاها کمک کرده و هم بازگو کردن چنین مسائلی بالقوه می‌تواند مسلمانان را نسبت به عقاید یکدیگر به شبهه و چالش بکشاند و نیز اینکه چنین تحقیقاتی می‌تواند با اهداف استراتژیکی صورت گیرد.^{۲۲} بنابراین گرچه در اختلافات مذهبی معمولاً به نظراتی که پیروان مذاهب دیگر بیان کرده‌اند، توجه می‌شود، اما نظرات مستشرقان با اهداف مختلف نیز در ترویج این اختلافات و انباشت آنها بی‌تأثیر نخواهد بود.

جنگ روانی در سایه تهاجم فرهنگی

یکی دیگر از روش‌های غرب برای تخریب چهره اسلام و همچنین تداوم استثمار دنیای اسلام، راه‌اندازی جنگ روانی با استفاده از ابزار فرهنگی و اقتصادی است. اقدامات غرب در زمینه فریب افکار عمومی با استفاده از جنگ روانی را در موارد زیر می‌توان مطرح کرد:

۱) اندیشه راه‌اندازی جریان هلال شیعی و موج شیعه‌هراسی

۲۱. مادلونگ اختلاف نظر امام حسن(ع) با اهداف و برنامه‌های امام علی(ع)، عدم تمایل امام حسن(ع) به خلافت و تأیید خلافت عثمان را از موارد اختلاف بیان کرده است که در مقاله «دیدگاه مادلونگ درباره اختلاف امام علی(ع) و امام حسن(ع)» به آنها پرداخته شده است.

۲۲. برخی گفته‌اند که شیعه شناسی در اسرائیل استراتژیک است و فقط معطوف به دغدغه‌های آکادمیک نیست:

کشورهای غربی بعد از بیداری و انقلاب اسلامی ایران - که مرکز تشیع جهان اسلام به شمار می‌رود - متوجه قدرت تشیع در جنگ نرم در جهت شکل‌دهی و جریان‌سازی، عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و هدایت افکار عمومی جامعه مسلمانان و سایر ملل جهان شدند و دریافتند که اگر کنترل نشود و مانعی بر سر راه این جریان قرار ندهند، به زودی مرزهای ایران را درمی‌نوردد و زمینه‌های انقلاب سیاسی و اسلامی را در دیگر جوامع، به‌خصوص کشورهای اسلامی خاورمیانه فراهم می‌کند. بنابراین کشورهای استعمارگر برای حفظ منافع و سیطره قدرت خود بر جوامع جهانی به‌خصوص امت اسلام، تهاجم فرهنگی علیه شیعه را در قالب هلال شیعی با هدف تفرقه میان امت اسلام مطرح کردند و با این فتنه شوم، وجه‌های سلطه‌جو و قدرت‌طلب را از شیعیان در جهان اسلام به نمایش می‌گذارند.^{۲۳}

با نگاهی به نقشه جهان و کشورهایی که شیعیان در آنها زندگی می‌کنند، می‌توان متوجه پراکندگی شیعیان در منطقه‌ای از جنوب شرق آسیا تا دریای مدیترانه شد. در امتداد این نقشه، بیشترین جمعیت شیعیان که حدود ۲۰٪ از جمعیت جهان اسلام را تشکیل می‌دهند، حضور دارند. اما مهم‌ترین منطقه جغرافیایی کشورهای شیعه‌نشین، که حدود ۷۰٪ جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهد، منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس است که از جنوب فلسطین - لبنان، سوریه، عراق، بحرین، قطر، ایران، افغانستان، پاکستان و شرق عربستان سعودی - تا یمن امتداد می‌یابد.^{۲۴} البته اهمیت بازگو کردن این آمار، نه به خاطر جمعیت شیعیان، بلکه به خاطر موقعیت جغرافیایی آنان در منطقه است. موقعیت جغرافیایی شیعیان در خاورمیانه به شکلی است که کمربند استراتژیک اقتصادی و سیاسی جهان اسلام به شمار می‌رود، حتی به طور کلی، اقتصاد و سیاست

جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شیعیان در مرکز بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه که ۷۵٪ از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، قرار گرفته‌اند و این مهم می‌تواند به عنوان ابزاری برای کنترل اقتصاد منطقه و جهان مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۵} اهمیت این موضوع در آغاز قرن ۲۱ با قدرت‌یابی شیعیان در عراق، پس از نابودی رژیم بعث و حکومت صدام و همچنین جنبشهای ضدصهیونیستی حزب‌الله لبنان، دوچندان شد.

در واقع آغاز تحولات در عراق و بازیابی قدرت شیعیان و تشکیل دومین کشور با انقلاب شیعی بعد از ایران - به عنوان متصل شدن آخرین حلقه زنجیر کشورهای شیعه‌نشین - موجب شکل گرفتن فصل جدیدی از موازنه قدرت در منطقه شد. در پی همین تغییر و تحولات، حکومت‌های قدرت‌طلب منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به خاطر ترس از دست دادن منافع، موضوع هلال شیعی را مطرح کردند. اولین بار «ملک عبدالله» پادشاه اردن به قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هشدار داد که کشورهای شیعه به دنبال پی‌ریزی قدرتی واحد در منطقه هستند و رهبری این جریان به دست حکومت ایران است. این موضوع اندکی بعد توسط سران دو کشور مصر و عربستان نیز مطرح شد و سپس کارگردانی این سناریو به دست کشورهای استعمارگر به‌خصوص آمریکا سپرده شد. این موضوع به قدری از سوی استعمار و حاکمان دست‌نشانده منطقه مطرح شد که برخی از اهل سنت چنین توهمی را که شیعیان در صدد ضربه زدن به اهل سنت و کشورهای سنی هستند، باور کردند و حتی برخی از مفتیهای وهابی عربستان سعودی، حکومت‌های سنی را به یاری اهل سنت عراق فراخواندند. همین موضوع سبب شکل‌گیری جنگ‌های فرقه‌ای در خاورمیانه به‌خصوص در عراق و سوریه شد.^{۲۶}

۲۵. «هلال شیعه: بازیابی هویت یا توهم توطئه»، ص ۵.

۲۶. «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، صص ۱۶-۱۹.

۲۳. «بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی»، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۲۴. «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه»، ص ۲۰۲.





همچنین سیاست آمریکا در طرح و پی‌ریزی چنین فتنه‌ای در قبال جهان اسلام، به خاطر شکست در اهداف خود از جمله طرح‌ریزی خاورمیانه جدید، با شکل‌گرفتن کشورهای جدید که موجب تقویت قدرت خود در منطقه می‌شد، شکل گرفت. از این رو، همواره هم‌بیمانان خود را در منطقه به مقابله با منافع چنین جریان‌های تحریک می‌کرد. به علاوه یکی از دلایل مطرح شدن پیگیری چنین پروژه‌ای از سوی آمریکا، برای توجیه حضور نظامی خود در منطقه بود. اهداف آمریکا در راه‌اندازی و حمایت از چنین جریان‌هایی در راستای سیاست تفرقه انداختن و حکومت کردن بر کشورهای جهان سوم خلاصه می‌شود که در این موضوع نیز تقریباً به موفقیت نسبی دست یافت.^{۲۷} تأسیس و حمایت گروه‌های تروریستی همچون داعش در سوریه و عراق و فشار بر شیعیان در کشورهای که در اقلیت هستند، به بهانه اینکه آنان نیز به دنبال فرصتی برای غلبه بر اهل سنت هستند، به دنبال مطرح شدن چنین موضوعی اتفاق افتاد.

۲) تأسیس و حمایت از شبکه‌ها و رسانه‌های ماهواره‌ای ضد اسلام (تقابل شیعه و سنی)

پیشرفت فناوری اطلاعات و رسانه‌های ارتباط جمعی به معنی واقعی کلمه، جهان را همچون دهکده‌ای کوچک کرده است و تأثیر زیادی بر هدایت افکار عمومی جهانیان داشته و دارد. در عصری که اندیشه‌ها و ایده‌های خاص از سوی احزاب و گروه‌ها، برای قدرت‌نمایی و سلطه بر عالم در تقابل با یکدیگر و به فکر پیروزی در این صحنه هستند، رسانه نقش قابل توجهی را برای رسیدن به این هدف ایفا می‌کند. از این رو، کشورها و قدرتهای بزرگ استعمار در سیاست خود برای پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی با استفاده از رسانه‌های اطلاعاتی، در حال تضعیف جایگاه اسلام و تفرقه میان مسلمانان هستند؛ زیرا

۲۷. برای مطالعه بیشتر در مورد اهداف آمریکا در قبال تأسیس و حمایت از پروژه هلال شیعیه رک: «هلال شیعیه: بازیابی هویت یا توهم توطئه»، ص ۱۱.

فناوری و تکنولوژی این برنامه‌های اینترنتی توسط خود کشورهای غربی راه‌اندازی شده و پایگاه شبکه‌ای و ماهواره‌ای این ابزارها در کشورهای آنان فعال است که از طریق همین شبکه‌ها، اطلاعاتی را که باید سالها برای به دست آوردن آنها هزینه کرد، در یک بازه زمانی کوتاه به دست می‌آورند. این شبکه‌ها که اغلب بر اختلافات و مشکلات جوامع اسلامی تأکید دارند، اطلاعات کافی در اختیار اتاق فکرهای غربی قرار خواهند داد.^{۲۸}

آنها با راه‌اندازی و حمایت از این برنامه‌ها با انتشار شایعه، افکار عمومی دنیا را به تشویش و دلهره از عالم اسلام رهنمون کرده و چهره‌ای مخدوش و خشن از اسلام نزد دیگر ملل به نمایش گذاشته‌اند. تروریسم خواندن و حمایت کشورهای اسلامی از تروریسم، شعار عدم آزادی به احزاب و گروه‌ها در کشورهای اسلامی، داشتن سلاحهای کشتار جمعی، اشغال نظامی کشورهای اسلامی توسط قدرتهای استکباری و همچنین حمله به اعتقادات و آموزه‌های اسلامی چه به صورت شبهه‌اندازی و تشکیک در باور مسلمانان و چه به اسم آزادی انسان و ... تنها بخشی از برنامه‌ها و سیاستهای غرب برای تضعیف وحدت اسلامی و تشدید واگرایی میان امت اسلام از طریق این رسانه‌ها است.^{۲۹}

با نگاهی به شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی عصر حاضر در زمینه اختلاف و تفرقه‌اندازی میان امت اسلامی، می‌توان دستهای استعمار را در پشت پرده این برنامه‌ها دید. برنامه‌هایی که توسط خود مسلمانان اداره می‌شود، اما با حمایت کشورهای غربی و مخالف با تقریب همراه است. شبکه‌های ماهواره‌ای با نامهای اسلامی همچون قرآنها بر روی نیزه‌اند که در ظاهر به نام آموزش احکام فقهی و دفاع از آنها تأسیس شده‌اند،

۲۸. برای مطالعه بیشتر در مورد حمایت غرب از وبگاهها و رسانه‌های اینترنتی و آشنایی با پایگاه آنان رک: شیعه شناسی معاصر اهل سنت، ج ۲، ص ۳۲.

۲۹. فرهنگ تفریب، ج ۲، صص ۷۴ و ۷۵.



اما با هدف ایجاد تفرقه و تنش میان جوامع به وجود آمده‌اند.^{۳۰} شبکه‌هایی که در آنها انواع و اقسام توهینها و تهمت‌ها به مذاهب زده می‌شود و شک و شبهه‌افکنی در باب اعتقادات و همچنین دشنام و لعن به یکدیگر در آنها رواج دارد. از همین طریق قلوب مسلمانان را نسبت به یکدیگر سیاه می‌کنند و تفرقه میان مذاهب اسلامی تشدید می‌شود. شبکه‌هایی که علاوه بر اینکه دنیای اسلام و آموزه‌های اسلامی را وارونه و تحریف شده جلوه می‌دهند و واگرایی و نزاعهای مذهبی را به سر حد خود می‌رسانند، ملل و دول غیراسلامی را نیز از اسلام و مسلمانان دور کرده‌اند. دستگاه استعمار به خوبی از این نقطه ضعف مسلمانان استفاده کرده است و با حمایت از این جریانهای به وجود آمده، کمک کرده است تا مسلمانان به دست خود، دین را کفن کنند و به خاک بسپارند و جامعه و امت اسلامی را به صحنه‌ای سراسر جنگ و خونریزی رهنمون کنند.^{۳۱}

به طور کلی باید مسلمانان به این درک برسند، اگر این شبکه‌ها به تبلیغ و دفاع از دین می‌پردازند، چرا در سرزمین کشورهای استعمار که دشمنان اصلی اسلام هستند، پایگاهی به این گستردگی دارند و به راحتی به نشر و تبلیغ آیین اسلام می‌پردازند؟ چرا کشورهای استعمارگر به خصوص آمریکا و انگلیس که پایگاههای اصلی این شبکه‌ها هستند، به عنوان دشمنان اسلام، اقدام به بایکوت کردن و حذف این شبکه‌ها و پایگاههای آنان نمی‌کنند؟ در حالی که در همه تبلیغات خود، جهانیان را به ترس از جهان اسلام هشدار می‌دهند و آنها را با عنوان تروریست معرفی می‌کنند.^{۳۲}

بنابراین باید از سیاست راه‌اندازی این شبکه‌ها و حمایت غرب از آنها آگاه بود. ساده‌ترین درک اینکه در این شبکه‌ها، به هیچ وجه از مسئله فلسطین و اشغال

آن توسط رژیم صهیونیستی سخنی به میان نمی‌آید و در مورد دیگر جوامع اسلامی که تحت سیطره استعمار هستند نیز وضع به همین شکل است. بنابراین به خوبی می‌توان دریافت که هدف این شبکه‌ها، همسو با اهداف غرب استعماری بوده و این شبکه‌ها به ابزاری برای سرعت بخشیدن به موتور اختلاف و تفرقه تبدیل شده‌اند.

۳) تشیع انگلیسی در راستای اسلام هراسی

اندیشه و تفکر تشیع انگلیسی، ایده‌ای جدید از پروژه شیعه‌هراسی است که با تبلیغات بسیار گسترده و وسیع در سطح جهان با بهره‌مندی از خود مسلمانان به‌خصوص شیعیان، چهره‌ای زشت و خشن از تشیع، نزد ملل و ادیان جهان به نمایش گذاشته و به تخریب چهره شیعه پرداخته است و با این برنامه‌ها می‌خواهد جاذبه شیعه را از میان بردارد، تا مانع از نشر مبانی شیعه در جهان شود و از طرفی دیگر با معطوف کردن توجهات بر تفاوتها و عصبیتهای مذهبی، به دنبال ایجاد اختلاف و تشدید شعله نزاع میان مذاهب اسلامی است، تا زمینه‌های وحدت اسلامی را کم‌رنگ کند. در واقع تشیع انگلیسی شیوه جدیدی از اسلام آمریکایی است که با محوریت تبری و سب و لعن مقدسات اهل سنت، رکن اساسی زندگی اجتماعی و سیاسی امت اسلام؛ یعنی وحدت را نشانه گرفته است و به فتنه‌اندازی و تفرقه میان امت اسلام دامن می‌زند. این مسئله با به انحراف کشیدن آموزه‌های ناب اسلام، امت اسلام را از اهداف و آرمانهای اصیل خود دور ساخته و همه آنچه که با اسم مذهب و دین انجام می‌دهد، در خدمت سیاست کشورهای استعمارگر و قدرت‌طلبی همچون آمریکا و انگلیس است. این تشیع به دنبال ترویج و تبلیغ ماهیت خاصی از تشیع است که در راستای تحقق یافتن اهداف و سیاستهای کشورهای استعمار است.^{۳۳}

در واقع شیعه انگلیسی یا اسلام آمریکایی نام فرقه یا گروه خاص مذهبی نیست، بلکه مجموعه‌ای از

۳۰. جهت آشنایی با شبکه‌های ماهواره‌ای سلفی در اینترنت رک:

شیعه شناسی معاصر اهل سنت، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳۱. فرهنگ تقریب، ج ۲، صص ۷۶ و ۷۷.

۳۲. حادثه ۱۱ سپتامبر گواهی بر همین موضوع است.

۳۳. تشیع انگلیسی، صص ۹-۱۲.



اندیشه‌ها و افکاری با رفتارهای انحرافی و افراطی است که در هر زمانی با توجه به شرایط اجتماعی یک جامعه از سوی افراد یا گروهی به اندیشه‌های اصولی تشیع نفوذ می‌کند و خود را در قالب اندیشه مذهبی نمایان می‌سازد.^{۳۴} این تفکر علاوه بر حمله به علما و مجتهدان مذهبی که نزد اهل شیعه از احترام بالایی برخوردارند، وحدت ستیزی و نفی وحدت با اهل سنت، یکی از خصوصیات بارز این جریان است و در اندیشه مذهبی مانند وهابیت معتقد به حصر و جزم‌گرایی بوده و هرکسی را که با اندیشه آنان مخالف باشد، به کفر و خروج از شریعت متهم می‌کنند.^{۳۵} برخی از تفکرات و اقداماتی که با عنوان فتنه‌اندازی انگلیس یا شیعه انحرافی مورد حمایت و همسو با سیاست غرب است، عبارتند از:

الف) حمایت از شخصیت‌های مخالف با تقریب

غرب، همیشه از شخصیت‌هایی که مخالف با جریان موجود در جوامع و امتهای بوده، حمایت و با آغوش باز از آنها استقبال کرده است. در این مورد همسو با شرایط حاکم بر هر جامعه‌ای و در هر زمینه‌ای از ابعاد حیاتی کشور به تشکیل این اپوزیسیونها روی می‌آورد. تا به اختلاف و تفرقه‌افکنی میان یک امت منجر شود. از این رو، یکی از اقدامات کشورهای غربی و دشمنان اسلام - برای به چالش کشاندن تعامل و روابط پیروان مذاهب اسلامی - حمایت از افرادی است که مخالف با وحدت و تقریب مذاهب هستند؛ افرادی که از موقعیت و پایگاه مناسبی نزد مردم برخوردارند و همین سبب می‌شود برخی به راحتی تحت تأثیر افکار و عقاید آنها قرار گیرند و فریب بخورند. غرب نیز با استفاده از همین موقعیت، با حمایت از آنها، به اختلاف افکنی و تفرقه میان مذاهب اسلامی می‌پردازد. این موضوع در جریان، موسوم به شیعه انگلیسی به شدت دنبال می‌شود و ممکن است به هر شیوه‌ای و نامی خود

۳۴. همان، ص ۳۲.

۳۵. همان، ص ۲۶. اظهارات برخی از آنها در شبکه‌های ماهواره‌ای دلیلی بر این مدعا است.

را مطرح کند، گاه در قالب انجمن حجتیه، گاه در فرقه‌های ساختگی همچون بهائیت و بابیت و گاهی در ظاهر وهابیت و گروههای افراطی سلفی شکل می‌گیرد. در واقع آنچه به عنوان جریانی انحرافی از سوی غرب حمایت و موجب بروز اختلاف میان مذاهب و جوامع اسلامی می‌شود، با نام شیعه انگلیسی یا اسلام آمریکایی معرفی می‌گردد که در اهداف پروژه اسلام‌هراسی کاربرد دارد. جریانی که توسط کشورهای غربی حمایت می‌شود و از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌برند. در واقع، از رموز کار غرب در این مسئله نهفته است که آنها با هر موضوعی به مانند خود مقابله می‌کنند. در این حیطه نیز با علم کردن برخی از رهبران مذهبی از یک سو، تقابل شیعه با شیعه را رقم زده و از سویی دیگر صحنه تقابل شیعه و سنی شده‌اند.^{۳۶}

از جمله جریان‌هایی که توسط غرب هدایت می‌شود، جریان شیرازیها منتسب به تشیع است که نماینده آن شخصی به نام «یاسر یحیی عبدالله حبیب سلام الحبيب» است. یاسر الحبيب روحانی شیعه نمای اهل کویت است که در دوران نوجوانی پس از آشنایی با «سید محمد شیرازی» به علوم دینی روی می‌آورد و پس از اینکه در ایران علوم حوزوی را فرا می‌گیرد، در بازگشت به کویت فعالیت مذهبی‌اش را با تأسیس هیئت «خدام المهدی» و انتشار مجله «المنیر» آغاز می‌کند. اما در پی اظهار و انتشار سخنانی بر ضد عایشه - همسر پیامبر(ص) - مورد اعتراض اهل سنت قرار گرفت و بازداشت شد. با فشار دولت انگلیس، پس از سه ماه از زندان آزاد شد، در حالی که به ۱۵ سال حبس محکوم بود. بعد از آزاد شدن و سفر به انگلیس، از سوی دولت آن کشور پناهندگی و اجازه فعالیت‌های مذهبی برای وی صادر گشت. با ورود به انگلیس، اقدام به راه‌اندازی روزنامه (Shia newspaper) و هیئت خدام المهدی و همچنین شبکه‌های ماهواره‌ای

۳۶. همان، ص ۲۸.

فدک و صوت العتره کرد. وی بارها و بارها در این شبکه‌ها و نشریات به مقدسات اهل سنت توهین کرده و موجب رنجش خاطر احساسات اهل سنت شده است. همچنین با نوشتن کتابی در مورد «عایشه»، بدترین اهانتها را به همسر پیامبر(ص) اظهار می‌کند که موجب تنش اساسی میان علمای اهل سنت و شیعه می‌شود. ساخت مسجد و حسینیه در لندن از دیگر اقدامات او است؛ مکانهایی که به مرکز عزاداریهای غیرعقلانی و غیرشرعی همچون قمه‌زنی تبدیل شده است و همچنین مراسمهایی که در آن به مقدسات اهل سنت توهین می‌شود. همه این اقدامات با حمایت دولت انگلیس انجام می‌شود و همگی در راستای شعار تفرقه و حکومت بر کشورهای اسلامی است. از جمله اقدامات دولت انگلیس، حفظ امنیت و برنامه‌ریزی برای برگزاری این مراسمها و فراهم کردن امکانات مورد نیاز عزاداران است.^{۳۷}

شاید در باور برخی، این حمایتها از سوی دول غربی، به خاطر احترام به عقیده و افکار و آزادی برای انسانها باشد، اما با نگاهی به تاریخ سیاسی غرب در زمینه تفرقه‌افکنی و فتنه‌اندازی میان ملتها، به باطن فتنه‌انگیز این جریانها پی می‌بریم؛ زیرا هیچ‌گونه اقدام و اعتراضی از سوی صاحبان این تفکرات به قدرتهای استعماری و استثماری نمی‌شود و مرکز اختلاف را به درون مذاهب و جوامع اسلامی کشانده‌اند. اگر اعتقاد بر آزادی اندیشه‌ها باشد، چرا از نشر آموزه‌های ناب و واقعی اسلام در رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای غرب خبری نیست؟ چرا به جای آن در تمامی رسانه‌های دیداری و شنیداری نماینده تفکر خاصی از گروههای تندرو اسلامی شده‌اند؟ بدون تردید کشورهای استعمارگر غرب تا جایی که پای منافع خود در میان باشد، از این جریانها حمایت می‌کنند. غرب در زمینه حمایت از چنین افرادی سابقه طولانی دارد که از جمله این

افراد می‌توان به محمد بن عبدالوهاب مؤسس فرقه وهابیت، میرزا غلام احمد پایه‌گذار تفکر احمدیه در هند و حسینعلی بهاء معروف به بهاء‌الله مؤسس فرقه بهائیت اشاره کرد که همه این نقشه‌ها برای تقابل و رودرویی پیروان مذاهب با یکدیگر پی‌ریزی شدند.^{۳۸} حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چنین افرادی را قلم به مزد و مزدور و عالمان بی‌دینی می‌داند که نان‌خور سفره دولتها و حکومت‌های بیگانه بوده و توسط آنها اجیر شده‌اند، تا در مقابل ندای وحدت و انسجام امت اسلام، شعار تفرقه و اختلاف سر دهند. وجود چنین افرادی از وجود دشمن به صورت مستقیم خطرناک‌تر است.^{۳۹}

ب) ترویج رفتارهای تفرقه‌افکنانه
غرب استعماری بهترین حربه را در این موضوع مشاهده کرد که به وسیله خود مسلمانان برخی از شعائر را تحریف و از آنها به عنوان رفتاری تفرقه‌افکنانه بهره‌برداری کند. برای مثال عزاداری روز عاشورا برای اکثر شیعیان و حتی اهل سنت پذیرفته شده و به عنوان نماد ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی که فرهنگ ایثار و شهادت را به دنبال دارد، تبدیل شده است. کشورهای استعمارگر غرب نیز با شناخت از این زمینه با حربه‌ای شوم به تخریب و تحریف آن اقدام کرده‌اند. آنان برای خاموش کردن این شعله که حیات‌بخش زندگی مسلمانان و جوامع اسلامی است، فرهنگ عزاداری را به سمت و سوی شیوه‌های نامتعارف و نامشروع سوق دادند.^{۴۰}

کشورهای استعمارگر غرب به‌خصوص انگلیس، با استفاده از جهل و نادانی برخی شیعیان و همچنین حب آنان به اهل‌بیت(ع)، قمه‌زنی و شمشیرزنی را به عنوان نماد شیعیان معرفی می‌کنند.^{۴۱} این موضوع، نخست در

۳۸. تشیع انگلیسی، ص ۱۰۱.

۳۹. اکسیر اعظم، ص ۲۶۳.

۴۰. دست پنهان، ص ۲۲.

۴۱. به عنوان نمونه روزنامه ایندیندنت در سال ۲۰۱۶م، با درج تصویری خونین از قمه زنی برخی شیعیان، روز عاشورا را مقدس‌ترین روز در تاریخ شیعه معرفی می‌کند.

۳۷. برای اطلاعات بیشتر رک: گرا دهندگان به دشمن، صص ۹۷ و ۹۸؛ «چهره‌های تشیع انگلیسی ۱».





هند، جایی در فرهنگ عاشورا باز کرد و به خاطر دور بودن هند از حوزه‌های شیعی به‌خصوص حوزه نجف، به یک فرهنگ همیشگی تبدیل شد. سپس از هند، به ایران و عراق وارد شد. حتی تا مدت‌ها سفارت‌های بریتانیا در تهران و بغداد، به تأمین هیئت‌های عزاداری که به صورت انزجارآمیز و زشت در مراسم شرکت می‌کردند، می‌پرداختند. استعمارگران نیز با تبلیغ و انتشار وسیع این اخبار، نخست می‌خواستند حضور خود را در کشورهای اسلامی توجیه کنند و خود را به عنوان منجی و قیمی معرفی کنند تا این مردم را از توحش و جهل نجات دهند. همچنین با تخریب و تحریف، این آموزه‌ها را به سوی خرافه و بدعت در دین کشاندند تا بهانه مناسبی برای تفرقه و نزاع میان مذاهب اسلامی شکل گیرد و آنها یکدیگر را متهم به کفر و تکفیر کنند.^{۴۲} به عنوان نمونه هفته وحدت که به شعاری برای مودت و دوستی میان مذاهب اسلامی تبدیل شده، توسط برخی روحانیان وابسته به استعمار به نام هفته برائت معرفی گردیده است و این روز را به سب و لعن به مقدسات اهل سنت اختصاص داده‌اند. علاوه بر ترویج قمه‌زنی و عزاداریهای نامتعارف در ماه محرم، جعل کردن دهه‌های عزاداری همچون محسنیه و همچنین جشنهایی مانند «عید الزهراء» از دیگر اقدامات غرب برای ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی است.^{۴۳}

امروزه تا حدودی غرب در این زمینه موفق بوده است

و توانسته از این طریق مسلمانان را به جان یکدیگر بیاندازد. آنان با تبلیغات گسترده این‌گونه موارد، آتش این نزاعها را چندین برابر کرده‌اند که از سویی موجب تکفیر مسلمانان توسط یکدیگر شده و از سویی دیگر جاذبه دین اسلام و چهره رحمانی آن را نزد دیگر ملل و ادیان جهان مخدوش کرده است. در این مورد، مهم‌تر از همه خود جوامع اسلامی هستند که فریب چنین حربه‌ای را نخوردند و بازیچه دست کشورهای غربی نشوند. اگر این فتنه از درون خنثی گردد و مانع شیوع آن درون جامعه اسلامی شود، می‌توان از چالشهای اختلافی میان مذاهب کم کرد. این مهم نیز با آگاهی بخشی پیروان مذاهب اسلامی و رو کردن چهره واقعی صاحبان این اندیشه‌ها و همچنین طرد اعمال و رفتار آنها از سوی علما و حکمای مذاهب اسلامی امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

۱. با بررسی و تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری جریانهای ضدتقریب میان مذاهب اسلامی به این نکته پی می‌بریم که اختلافات تفرقه‌ای میان مذاهب اسلامی صرفاً ریشه در مسائل کلامی و دینی ندارد، بلکه یکی از مهم‌ترین موانع فراروی اتحاد و انسجام جهان اسلام به عوامل مرتبط با خارج از جهان اسلام بازمی‌گردد که برخی از آنها با هدف تفرقه‌افکنی صورت می‌گیرد.

۲. در دهه‌های گذشته حضور مستقیم بیگانگان، برهم زنده وحدت دنیای اسلام بوده است، اما امروزه فعالیتها و جنگ نرم آنها در قالبهای متعدد منجر به بروز جریانهای ضدتقریب گردیده است. یکی از نمونه‌های آشکار این تهاجم فرهنگی، تأسیس و حمایت از گروههای افراطی است که علاوه بر بدنام کردن اسلام، آثار زیان‌باری برای مسلمانان به بار آورده است.

۳. برجسته کردن و دامن زدن به اختلافات مذهبی که با انگیزه‌های علمی و غیرعلمی صورت گرفته، زمینه‌ساز افتراق بوده و گاه حجم اطلاعات برای تخریب یک

۴۲. نقل شده که یاسین الهاشمی نخست وزیر وقت عراق در زمانی که استعمار انگلیس بر کشورهای حوزه خلیج فارس سایه افکنده بود، در سفر خود به انگلیس از آنان خواست تا به استعمار کشورهای اسلامی پایان دهند، اما انگلیسیها اظهار کردند که خواهان نجات مسلمانان از توحش و جهل هستند و به این خاطر در کشورهای اسلامی حضور دارند. این سخن موجب ناراحتی یاسین الهاشمی می‌شود و وی جلسه را ترک می‌کند. انگلیسیها از او عذرخواهی کرده و فیلمی از قمه زنی در عزاداری محرم را برای او به نمایش می‌گذارند و به استناد آن، این مفهوم را می‌رسانند که آیا یک ملت روشنفکر و متمدن چنین عملی را انجام می‌دهد (ر.ک: دست پنهان، صص ۲۲ و ۲۳).

۴۳. «شیعه انگلیسی»، ص ۲۷. نیز ر.ک: قمه زنی سنت یا بدعت، ص ۱۹؛ نهم ربیع؛ جهالتها، خسارتها، ص ۲۱.

کتابنامه

مذهب را فراهم نموده است که پژوهشهای مستشرقان در رابطه با خاستگاه تشیع و اتهام تحریف قرآن به تشیع از مصادیق بارز آن است. مسئله هلال شیعی و موج شیعه‌هراسی از موارد دیگر جنگ روانی در سایه تهاجم فرهنگی است که برای محصور نمودن مذهبی

- همانند شیعه صورت می‌گیرد. تأسیس و حمایت از شبکه‌ها و رسانه‌های ماهواره‌ای و حمایت از مخالفان تقریب به ویژه جریان تشیع انگلیسی با استفاده از فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی نیز در ایجاد تفرقه و نزاع میان مذاهب اسلامی مؤثر بوده است.
- «آسیب‌شناسی انسجام اسلامی در جهان اسلام»، محمدجواد اصغری، مجله کوثر معارف، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶ش.
- آیین وهابیت، جعفر سبحانی، تهران، مشعر، ۱۳۷۵ش.
- استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)، جمعی از اندیشمندان جهان اسلام، گردآورنده محمدحسن تیرائیان، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، سید احمد موثقی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ش.
- اکسیر اعظم؛ رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) درباره انسجام اسلامی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۶ش.
- انسجام اسلامی، آسیبها و راهکارها، حیدرعلی میمنه، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۸ش.
- «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش»، محمدعلی بصیری و الهه سالدورگر، مجله سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶ش.
- «بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش»، علی محمدیان و قاسم ترابی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۳، زمستان ۱۳۹۴ش.
- بنیاد تفکر سلفی، محمدباقر یورامینی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ش.
- «بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی (چالشها و راهکارها)»، غلامحسین مقیمی و محمد ستوده، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲ش.
- «تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، ناصر جمال‌زاده و محمد آقایی، مجله جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴ش.
- تشیع انگلیسی: معادله‌ای برای مهار تمدنی شیعه، عباس بنشاسته، تهران، مقصد، ۱۳۹۵ش.
- تشیع و تسنن: کاوشی در اشتراکها و افتراقها، سید غلامحسین صادقی، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱ش.
- «چهره‌های تشیع انگلیسی ۱: یاسر الحیب؛ موهن به همسر پیامبر(ص) و مروج قمه‌زنی در لندن»، در: www.farsnews.ir
- خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، علی آقانوری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- دست پنهان: نگاهی به تاریخچه، مبانی فقهی و بازتابهای قمه‌زنی در افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی، دفتر فرهنگی فخرالائمه(ع)، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۸ش.
- «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، برزین ضرغامی، سید محمدجواد





- شوشتری و سلمان انصاری زاده، مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳ ش.
- شناخت استکبار جهانی، جواد منصوری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
- «شیعه انگلیسی»، ملیحه عقابیان و سیده فاطمه طباطبایی، مجله مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
- شیعه شناسان غربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی، مریم صانع پور، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- شیعه شناسی معاصر اهل سنت: اینترنت و مخالفان وحدت اسلامی، کامیار صداقت ثمر حسینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- فرهنگ تقریب، عباس برومند اعلم، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
- «القاعده و آمریکا، تهدید یا بهانه برای جنگ»، حبیب الله ابوالحسن شیرازی، مجله علوم سیاسی و روابط بین الملل، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۰ ش.
- قمه زنی سنت یا بدعت، مهدی مسائلی، اصفهان، گلبن، ۱۳۸۷ ش.
- گرا دهندگان به دشمن، گروه گزارش سیاسی و گزارش ویژه سایت خبری و تحلیلی مشرق نیوز، جمع‌آوری و تدوین امیر قربانی، ناشر الکترونیک اسلام نوین، ۱۳۹۴ ش.
- «نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریانهای افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)»، سید مهدی ساداتی نژاد، مجله اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷، بهار ۱۳۹۵ ش.
- «نقش نفت در حمله آمریکا به عراق»، عنایت‌الله یزدانی و رضا محموداوغلی، مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸ ش.
- نهم ربیع؛ جهالتها، خسارتها، مهدی مسائلی، قم، وثوق، ۱۳۸۷ ش.
- «وهابیت و سیاست استعمار»، مهدی فرمانیان، مجله سراج منیر، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۲ ش.
- «هلال شیعه: بازیابی هویت یا توهم توطئه»، مهدی جاودانی مقدم، مجله خط اول، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۷ ش.
- «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، جمال جمالی، مجله شیعه شناسی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۶ ش.
- هم‌گرایی جهان اسلام، آسیبها و راهبردها، حسین ابوالفضلی، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳ ش.